

آرزو بانوی شاعر پارسی‌گوی سمرقند

محسن احمدی

او را «آرزوی سمرقندی»، بی‌بی آرزویی^۱ و آرزویی^۲ نیز نامیده‌اند. از زندگی این بانوی شاعر آگاهی چندانی در دست نیست و تنها در تذکرة‌ها به کوتاهی از وی یاد شده است. آرزو در سدهٔ دهم هجری در سمرقند می‌زیست^۳ و گویا روزگارش مقارن دورهٔ صفوی بوده^۴، گرچه روش شعرش را یادآور سبک پیش از این دوره دانسته‌اند.^۵ او را همچنین معاصر «بی‌بی ضعیفی» بانوی شاعر پارسی‌گوی دیگر سمرقند شمرده‌اند.^۶

آرزو این نام را به گونهٔ تخلص در شعرهایش برای خود به کار برده^۷، چنان‌که گفته است: مانده داغ عشق او بر جانم از هر آرزو آرزو سوز است عشق و من سراسر «آرزو»

و بی‌بی ضعیفی نیز در پاسخی، به این نام اشاره کرده:^۸

در دلم بود آرزویت بیش از هر آرزو دیدم آن روی و فزون شد آرزو بر آرزو فخری هروی که تذکرة روضة السلاطین و جواهر العجایب را در حدود سال‌های ۹۵۸ و ۹۶۲ هجری نگاشته، شعرهای آرزو را دیده و دربارهٔ او نوشته است:

«اگرچه کم گفته، اما اشعار او دیده شد، نیک بود»^۹ و این در حالی است که «آقا بزرگ طهرانی» برای وی دیوان شعری قائل شده است.^{۱۰}

نویسندگان تذکرة‌های: صبح گلش^{۱۱}، تذکرة الخواتین^{۱۲}، مرآت الخیال^{۱۳}، و نتایج الافکار^{۱۴} آرزو را دارای طبعی موزون و سخن‌پردازی شیرین گفتار دانسته‌اند. آنان همچنین از زیبایی بی‌مانند وی سخن گفته و در عین حال او را بانویی صاحب کمال دانسته‌اند.

«امیر شیرعلی خان لودی» دربارهٔ وی نوشته است: «بسی خوشگوی و شیرین کلام بوده، گویند به چهره آفتابی بود جهانتاب و عالم‌افروز و در عشوهِ گری آتشی بود عاشق‌سوز و سخن را بسیار نازک گفتی».^{۱۵}

بیشتر مآخذی که دربارهٔ آرزو، سخن گفته‌اند، تنها به دو مطلع که از او به یادگار مانده اکتفا کرده‌اند:^{۱۶} نخست مطلعی که پیشتر آورده شد که اشاره‌ای به تخلص او «آرزو» نیز داشت و دیگر این بیت زیبا:

شدیم خاک رهِت گر به درد ما نرسی چنان رویم که دیگر به گرد ما نرسی

پانویشت‌ها:

۱. دانشنامهٔ ادب فارسی، ج ۱، تهران،

مؤسسهٔ فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه، ۱۳۷۵، ص ۱۲.

۲. آریانا، سال ۱۰، شمارهٔ ۳، ص ۴۹.

۳. همان‌جا.

۴. هدایت، محمود، گلزار جاویدان، ج ۱،

تبریز، ص ۱۲.

۵. مشیر سلیمی، علی‌اکبر، زنان سخنور،

تهران، مؤسسهٔ مطبوعاتی علی‌اکبر علمی، ۱۳۳۵،

ص ۳.

۶. فخری هروی، تذکرة روضة السلاطین و

جواهر العجایب، حیدرآباد، ۱۹۶۸ م، ص ۱۳۷.

۷. دانشنامهٔ ادب فارسی، همان‌جا.

۸. فخری هروی، همان‌جا.

۹. همان‌جا.

۱۰. الذریعه الى تصانیف الشیعه، بخش ۱،

ج ۹، بیروت، دارالاضواء، ص ۵.

۱۱. سیدعلی حسن خان، صبح گلشن،

کلکته، ۱۲۹۵ ق، ص ۵.

۱۲. محمد بن رفعت شیرازی،

تذکرة الخواتین، بمبئی، ۱۳۰۶ ق، ص ۵۹.

۱۳. امیر شیرعلی خان لودی، مرآة الخیال،

بمبئی، ۱۳۲۴ ق، ص ۱۳۷.

۱۴. محمد قدرت اله گویاموی، نتایج

الافکار، بمبئی، ۱۳۳۶ ق، ص ۹۸.

۱۵. مرآة الخیال، همان صفحه.

۱۶. دربارهٔ «آرزو» افزون بر مآخذ بالا، مراجع

زیر را نیز یادآور می‌گرد:

الف. حسن الامین، مستدرکات اعیان

الشیعه، ج ۳، بیروت، ۱۹۸۹ م، ص ۴-۳.

ب. خیام پور، ع (تاهابزاده)، فرهنگ

سخنوران، انتشارات طلایه، ص ۴.

ج. رجیبی، محمدحسن، مشاهیر زنان

ایرانی پارسی‌گوی، تهران، انتشارات سروش،

۱۳۷۴، ص ۲.

د. محلاتی، ذبیح‌الله، ریاحین الشریعه، ج

۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴، ص ۳۲۰.

ه. مدرس، میرزا محمدعلی، ریحانة الادب،

ج ۱، تبریز، ص ۴۷.

